



## سید محمود حسینی موسوی (امام جمعه زنجان)

وی از شاگردان خاص مرحوم غروی اصفهانی بود و با ایشان روابط سلوکی نیز پیدا کرده بود...

ولادت: 1309 ق.

محل ولادت: زنجان

وفات: 1375 ق.

محل دفن: نجف

محل تحصیل: زنجان ، نجف

اساتید: حضرات محمد حسین نائینی ، فتح الله شریعت اصفهانی ، سید محمد کاظم یزدی و...

تالیفات : ذخر البشر فی شرح حادی عشر، تعلیقات بر صحیفه سجادیه و...

وی از شاگردان خاص مرحوم غروی اصفهانی بود و با ایشان روابط سلوکی نیز پیدا کرده بود. خود می گوید : من به یکی از شاگردان مرحوم حاج شیخ محمد حسین اصفهانی گفتم : قصد دارم که در درس آقای حاج شیخ شرکت کنم . ساعتی بعد با کمال تعجب دیدم که خود حاج شیخ بی هیچ سابقه قبلی به منزل ما آمدند و فرمودند آمده ام بگویم حضور شما در درس من مناسب مقام حوزوی شما نیست . چنان که مطالب بنده مطبوع طبع جنابعالی است . با اجازه شما خود به منزل شما می آیم و در همین جا مباحثه می کنیم ! این طرح عملی شد و مدت ها معظم له با آن مقام شامخ به منزل ما می آمدند و مطالب دقیق و دشوار را چنان با سهولت تقریر می کردند که اگر شخصی از در وارد می شد می پنداشت که ما دو تن مشغول گفت و شنود معمولی هستیم .

آیت الله امام جمعه زنجان پس از تکمیل تحصیلات خود در نجف به زنجان بازگشت و به تدریس پرداخت . مدتی نیز در قم ساکن بود . او حائز مراتب بالایی در عرفان و فقه بود . با مرحوم قاضی و تعدادی دیگر از عرفا دوستی و آشنایی داشت . یکی از روحانیون ماجرای جوانی را که با دستگیری آیت الله زنجان مورد تفقد امام حسین علیه السلام قرار گرفت ، چنین نقل می کند: برای زیارت عتبات با قطاری به سمت عراق در حرکت بودیم . جوانی که روبه روی من نشسته بود ظاهر شرعی مناسبی نداشت لذا به او توجهی نمی کردم . نزدیکی مرز عراق ناگهان این جوان با حالتی منقلب ایستاد و به امام حسین علیه السلام سلام داد و به ما گفت : الان وارد خاک عراق شدیم و حضرت سید الشهداء علیه السلام به ما سلام دادند ! با تعجب حال او را جویا شدیم . گفت من در گذشته پای بند مسائل نبودم و به مجالس لهو و لعب رفت و آمد داشتم . شبی وقتی با حال نامناسب به خانه برگشتم ، حالم عوض شد و بسیار بر وضعیت خود حسرت خوردم. بعد از آن با یک روحانی برخورد کردم او دستوراتی به من داد و رفت . مدتی گذشت و من باز به وضع قبل برگشتم . تا اینکه بار دیگر آن آقا را دیدم . این بار با حالت عتاب فرمود : از خدا پروا نکردی؟! در حالی که کسی از ماجرای من خبر نداشت . ایشان آیت الله سید محمود امام جمعه بود و من از آن پس تحت تربیت ایشان قرار گرفتم . یک بار نسخه نفیسی از کتابخانه ایشان گم شد .

آیت الله امام جمعه در عالم مکاشفه دید که چند ماه بعد در قهوه خانه ای بیرون از شهر زنجان ، شخصی در حال فروختن این نسخه است . ایشان پس از مدتی کسی را فرستاد و آن را پس گرفت! آیت الله عزالدین زنجان یکی از فرزندان برومند ایشان است .